

دلاوری دلاوری

در آخر راه؛ امر اول اجرایی شود.

قدرت مطلق؛ مخطرات قبل از سرچشمی ایستادن فرما، که ظاهر آرزو شانی با آستانه تاریکی بود و همه چیز بر لایک اشتهاب عظیم آماده بود. فرما، دلاوری ساکنین آستانه ها جمع شوند. در یک کوه پایی بزرگ. قدرت مطلق اعلام کرد: منسقر دلاوری در جهام، خاکی جانشینی.

ساکنین

چه شخصی، با جراتی؟

قدرت مطلق:

آدم با اقتدارت کامل بر سر نوشتش!

ما که همیشه تو را ستایش می کنیم و از تو از پکی و توانایی یادمی کنیم، آیا قرار میدی آنجا کسی را که تنهایی و فساد کند و خوریز سر نماد؟!

قدرت مطلق:

منم می دانم! آنچه را که شما نمی دانید و میاموخت آدم را گل نام ما و به ساکنین گفت؛ انتم، خبر دهید مطالبی را که آدم می داند.

ساکنین

مانی دانیم! ما را هیچ دانشی جز آنچه تو آموختی نیست

قدرت مطلق به جانشین گفت: پس خبر ده ایستاد، دلاوری نام ما، و به ساکنین گفت؛ می توانید آنچه را که نمی دانید از جانشین سوال کنید.

ولولدر دینسہ سائنسہ انساہ؛ اوقاد۔
سائنسہ از جانشینہ پر سیدند؛ انساہ، چگونہ خلقی است؟

جانشینہ

انساہ؛ خلقی است کہ صور پنهانہ، اولاز عالم اهر خلق شدہ ولی صورت ظاہر انساہ کہ در جہاں، خاکی سکنانہ کزیدہ اینسہ کونہ آغاز شدہ: در ابتدا قدرت مطلق، امواج رلامتر لکم کرد و جهانی رلابہ نام جہاں، خاکی بنیاد نہاد کہ مجموعہ انساہ، از ستارگانہ، و ککشانا تشکیل کردیدہ کہ بہ شمارش در نمی آیند و از ذرات تشکیل دہندہ جہاں، ہاں خاکی مش: کلیم، پتاسیم، فہر، مس، آہنسہ... شہر رلامتر انساہ، بنا نہاد بہ نام جسم و یا کالبد خاکی و طبق یک فرآیند خاص ملامہ بہ اینسہ جہاں، خاکی از غلام و در اینسہ شہر یا جسم بر لاس مدت محدود و از طرفی نامحدود سائنسہ کرد.

سائنسہ

جہاں، خاکی. چگونہ بہ وجود آمد؟

جانشینہ

جہاں، خاکی از نظر ارتعاشت و طول موجء کاملہ با جهانی کہ شمار انساہ، زندگی می کنید متفاوت است بہ ہمینسہ دلیل زمینیاہ، بہ آسانی قادر بہ درک جہاں، یا جہاں، ہاں شہر ناخواہند شدہ. قدرت مطلق بر لاس خلق جہاں، خاکی؛ از طریق القاء، عشق رلاد ذرات و یا امواج دیدہ. در اثر قدرت شکفت لکلینر عشق، مقدلا سر ل امواج بہ ہم نزدیک و متر لکم شدند و ہتہ اولیہ جہاں، خاکی رلابہ وجود آورد و پس کوی انساہ، رلامانہ یک درخت در اینسہ جہاں، فعلی ما و شما کاشتہ دست مش کاشتیک کردو کہ می تولانم با موجود بودہ، سایر نیروہا و موالات اولیہ در زمینہا فرآیند خاص، بہ میلیارہا میلیارہا کردو برسیم. با کاشتہ شدہ، ہتہ اولیہ جہاں، خاکی نیرو ہاں تغییر و تبدیل بہ صورت خودکار وارد عمل شدند و جہاں، طور کہ ہتہ درخت کردو در زیر زمینہا شکافتہ می شود ہتہ اولیہ جہاں، خاکی شکافتہ شد و جہاں، خاکی متولد کردید و پس با طی میلیوہا، ہا میلیوہا، تغییر و تبدیل بہ نقطہ اہر وزر رسید و یک روز ہم منہدم و بہ نقطہ اولش ترخیص خواہد شد؛ یعنی بازگشت بہ امواج؛ ولی کلمتہ مم در اینسہ است کہ امواجی کہ جہاں، خاکی رلابہ

وجود آوردند و امواجی که از اندام جسم، خاکی به وجود می آید هر دو یکی هستند؛ اما از نقطه نظر دانش و آگاهی کامل با هم متفاوت هستند؛ زیرا علم و آگاهی در نقطه، باقی می ماند. نظر بر اینکه مولد اولیه بر اساس خلق جسم، خاکی، از جسم، فعلی شما گردیده است نه بر اساس زمان، قابل درک نیست

ساکینسن

شما به عنوان یک انسان، چه ویژگی هایی دارید؟

جانشین

ما علم را از موهبت ایم و در دروس، مقرر گرفته است، همین طور اکثر صفات قدرت مطلق در اندازه ها کوچک، در ما تعریف شده است و ما با بدستی با آموزش و تجربه، آنهارا از دروس، خود پیدا کنیم و اختیار کامل داریم تا سر نوشت خودمان، را خودمان، رقم بزنیم، تا به مرحله رسیدیم که راه را از راه تشخیص بدیم. اگر به طرف ارزش با حرکت کنیم؛ به آسایش و آرامش و یا شادمانی و شغف می رسیم و اگر به طرف ضد ارزش با حرکت کنیم؛ به ناآرامی، ترس، اضطراب، خوارت و سختی و عذاب، رهنمون می گردیم.

ساکینسن

با این علم و این صفات و این اختیار که شما دارید. آیا فکر نمی کنید که احتمال فساد و خونی زری و تنهایی در زمین، بسیار است؟

جانشین

آری، حق با شما است خصوصاً وقتی که مادر بد یا کالبد خاکی قرار می گیریم، کلیه مطالب و خاطرات گذشته، از جمله پتانسی که با قدرت مطلق برتویم و یا همینکه در جهانی را به خاطر نمی آوریم؛ اما این همه در ضمیر ناخود آگاه و یا آرشو و یا لوح محفوظ، موجود است و از آنجا، تاثیر پذیریم و زمانی که هر انسانی به مرحله بالایی از دانش و معرفت و یا دنیایی برسد و ظرفیت لازم را کسب کند، اومی تواند به اطلاعات گذشته آرشو و یا ضمیر ناخود آگاه خودش و رهن شود، آنگاه خواهد فهمید که چگونه تمامی جسم، با دروس، انسان، قرار

گرفته است

حق با شماست احتمال هرگونه فساد و خونی‌ریزی، ظلم و ستم، قطعاً وجود دارد؛ ولی نیک بدانید که قدرت مطلق، به منفرآموخت که...

(سکوت برقرار می‌شود)

ساکینسنگ

چه آموخت؟

جائشسنگ

آموخت که؛ در آخر امر، امر اول اجرایی شود.

ساکینسنگ

در آخر امر، امر اول اجرایی شود؟! مفهوم این جمله چیست؟

جائشسنگ

در زمینسنگ برآورد رسید، به اهداف، بلایستی زمان، رداد نظر داشت؛ یعنی هر خواسته یا دستور، می‌تواند با گذشت زمان، به اجرا درآید. اگر خواسته یا دستور اول شما تولید کوجه

فرنگی باشد، شما بدین فاصله صاحب کوجه فرنگی نخواهید شد؛ بلکه بلایستی بزرگ کوجه فرنگی را بکارید و مراقبت نمایند، تا در آخر امر، با برداشت محصول، صاحب کوجه فرنگی شوید.

پس بلایستی نظاره‌گر و قلیج باشیم تا به آخر امر خلق انسان، نزدیک شویم تا نتیجه، مشخص گردد.

ساکینسنگ

شما گفتید زمانه! زمانه در جهه خالی چیست؟

جانشینم

هیچ چیز در جهه مادر؛ در حال سکون نیست بهمان طور که گفته شد؛ از تراکم امواج، جهه خالی به وجود آمد و نظریه ایسکه امواج، متحرک بودند، مکانی هم که از آنسکه ما به وجود آمد متحرک گردید و

محل را که نگاه متحرک بود نگاه خود قرار داد، فضا نامیده شد و از ترکیب نگاه متحرک و فضا، زمانه به صورت ۳-۲-۱ و... که قابل محاسبه است خود به خود زاینده شد؛ البته شما که در بی زمانی اولاده حیات می دهید. قادر به درک زمانه و معجزه آنسکه نیستید؛ مگر با قرار گرفتن در جسم خالی، رهسار آنسکه دیار گردید.

ساکنشینم

معجزه زمانه چیست؟

جانشینم

اینهم معجزه زمانه است که به امواج، فرصت داد که در طول زمانه، تغییر بیاست دهند و از وجود آنسکه؛ گازها، مایعات و جامدات، پدیدار گردند و گیاهان هم به وجود آیند و رشد کنند و تنوع شوند و تکثیر گردند، تا جانوران هم و پس انسانها در قالب جهانی، پا به عرصه حیات گذارند و از دید مابند و لذت و آرزوش بودند، و حیات را درک نمایند و مراحل آموزش زمینی را که تجربه را بر سر ارزشمند است طی نمایند؛ پس منتظریم تا در آخر راه، امر اول، اجر شود.

بنابراین هم خلقت هم هر فرد بر اساس رسیده به نتایج و نحوه بلوغی زمانه را با موفقیت سپر نماید و هیچ راهی بر اساس حرف زمانه وجود ندارد؛ مگر ایسکه از ظرف زمانه، خارج شویم و بر اساس رسیده به آخر راه، بلوغی از مراحل تغییر و تبدیل عبور کنیم تا به مرحله نتیجه یا ترخیص برسیم.

البته در زمین هم نیرو و سر القاء، اجیا و متحرک یا حرکت نیز وجود دارند که ما را به نتایج و نحوه یا آخر راه، هدایت می کنند.

ساکنیشن

سه مرحله تغییر تبدیل و ترخیص را توضیح دهید؟

جانشین

این مراحل از مهمترین و اساسی ترین و سرنوشت سازترین بحث می باشد تا قانونم در آخر امر، امر اول اجرایی شود در این مرحله اول در آورند که هم در ساختار صورت ظاهر جسم، خاکی مثل؛ امواج، گازها، مایعات، جامدات، گیاهها، حیوانات و انسانها، نقش به سزایی دارند و هم در صورت پنهان انسانها از جمله؛ عقل، اندیشه، گفتار، رفتار و کردار انسانها، موثر هستند تا انسانها کم خرد را به مرور زمان، تبدیل به انسانی خردمند و آگاه نمایند و چنانچه در هستی؛ تغییر، تبدیل و ترخیص انجام نمی گرفت، هستی به حالت سکون در می آمد و بلافاصله متوقف و متلاشی می گردید.

بر اساس مثال؛ وقتی که یک لایرم با یک سنجک در رحم مادر با هم ترکیب شوند.

بلافاصله تغییرات شروع می شود و پس از گذشت حدود 4 ماه، این تغییرات در ظرف زمانها، شکل می گیرند و تبدیل به یک نوزادی گردند و آنگاه که تبدیل کامل شد، عملیات ترخیص انجام می گیرد و طفل به دنیا می آید و همینطور ما می توانیم شاهد تغییرات و تبدیلات در کاشت و برداشت گندم و مایک درخت و یا سایر موارد، مثال و یا نمونه دیگر باشیم.

البته نیروها سرالقاء، اجیا و متحرک نیز در هستی وجود دارند، که آنها نیز وارد عمل شده و بر مابقی تغییرات و تبدیلات می تابند؛ چونکه بدون مساعدت و یاری آنها، هیچ تغییر و یا تبدیلی انجام نمی گیرد.

ساکنیشن

چگونه با تغییرات، فرد کم خرد، به انسانی خردمند تبدیل می گردد؟

جانشین

هنگونه که انسانها اختیار دارند؛ در لایه یک خاصیت هم می باشند، بلایستی تغییرات در خاصیت آنها انجام پذیرد، تا تبدیل گردند.

ساکنیشن

خاصیت آنها چیست؟

جانشین

انسانها در لایه دو نیمه هستند؛ نمی از عالم بالا پاک و متره و منبری از عالم پایین مثل پست ترین انسانها؛ و شاید هم گاهی پست تر. بلایستی در طول مسیر تکامل، لایه نیمه حیوانی که می تولد، لایه رتاریکی نام نهاد، تبدیل به روشنائی گردد و این هم انجام نمی گیرد؛ مگر با کسب علم و معرفت و دنیایی و تجربه و بلایستی نیک بداییم حج تبدیلی انجام نمی گیرد؛ مگر آنکه تغییرات به آرازی و اندک اندک ایجاد گردد و هر تغییر سر بلایستی فاصله زمانی خوش رطای نماید؛ بنابراین هم بر لایه تغییرات در صفات انسانها مانناز به زمانه داریم.

بر لایه مثال؛ نمی تولدیم به یک فرد بی سواد در یک محظ، خوانند، نوشتن هم آموزیم و یا فردی در و گلو را در یک محظ به فردی را استکو تبدیل نماییم و یا فردی سرور را به فردی صالح، و یا یک معناد و یا لکھی را در یک هفته، تبدیل به انسانی سالم نماییم.

بر لایه تغییر هم که لایه از این صفات زشت نیاز به زمانه خاص خوش داریم. بر لایه مثال تغییر در فرد معناد و یا لکھی، بلایستی تغییرات در طول زمانه؛ در قسمت جسم یا فیزیولوژی و روانه و جسمانی او ایجاد گردد، البته به صورت بنیادین؛ و بر لایه انجام این هم، به حداقل ۱۰ تا ۱۱ ماه وقت زمانه نیاز داریم.

البته باید در لایه شکله در فرد، بلافاصله نیروها را القاء، اجیا و تحرک نیز حرکت خود را آغاز می کنند؛ البته اگر فرد بتواند بر نیروها سر تخربی و باز دارند، غلیه کند.

ساکنیشن

لطفاً این هم توضیح بدیهیک؟ نیروها سر تخربی، باز دارند؟!

جانشین

با خلق انسان، به زودسران شب بزرگی در زمین و آسمان ایجاد خواهد شد و روشنی‌ها فرزند تاریکی خود را به دنیا خواهد آورد و یکی از فرماندهان رده بالداران فرما، قدرت مطلق، سعی خواهد کرد و به طور کلی نیروها به دو بخش تاریکی‌ها و روشناس با تقسیم خواهند شد؛ به طور سر که سرد بخش، نیرومند خواهند بود.

نیروهایی که فساد می‌کنند و کارها را ضد ارزشی انجام می‌دهند. مثل؛ فاسدینس، دروغگویان، یا سنگان، ستم‌کاران، مصرف‌کنندگان، مولد مخدر و لکل و... که چه خواهند و چه نخواهند، در زمره نیروهای تاریکی یا تخریبی و بازدارنده قرار دارند و نیروهایی که کارها را ارزشمند انجام می‌دهند. مثل؛ راستگویان، صاحبین صدیقین، محسنین و... و کسانی که به انسانها وحشی، خدمت می‌کنند، در قسمت روشنی قرار دارند.

این نیروها در حال نبرد هستند و در حال آموزش و از یاد افرا خود؛ البته هم در زمین و هم در آسمان،

قسمتی از این عمل، از طریق الهام یا القاء انجام می‌گیرد، هم الهام فجور و هم الهام تقوا و نمونه دیگر؛ وقتی که شما با انسان، منفی و زشت کردار، نشست و برخاست کنید، مسائل منفی را او به شما القاء خواهد کرد و بالعکس؛ اگر با انسانها، سرشت معاشرت کنید، صفت نیکو را به شما القاء یا آموزش خواهند داد. به همین دلیل به ما گفته خواهند شد که به شجره خبیثه؛ یعنی موجودات فاسد، نزدیک شویم. که اگر نزدیک شویم ما را به اعیان بدبختی و عذاب، رهنمون خواهند کرد.

ساکینین

چرا قدرت مطلق اجازه می‌دهد چنین لشعابی به وجود آید و نیروها را تخریبی و بازدارنده، وارد عمل شوند؟!

او خود، بهتر می‌داند؛ ولی منصف تصور می‌کنم نیروها را تخریبی و بازدارنده، به صورت نیروی مکل عمل می‌کنند.

در هستی، همیشه چیز بر بنابر ضدش قابل تشخیص است؛ به عبارتی تا مرگ نباشد، حیات، مفهومی ندارد و همیشه طور تاریکی نباشد. روشنی چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟! اگر موضوع را از بالا نگاه کنیم؛ نیروها را تخریبی و بازدارنده، می‌توانند به عنوان، نیروی مکل، القاء دهند و انسانها را با تقسیم؛ بین این دو نیرو یک نبرد در جریان

است و نبرد بدو کشته و غوزیزس، منجمی ندلاد و قطعاً انسانها همی شمار در این مسیر یا نبرد، زخمی و یا نابود میکردند و لا تخوانتم خرد خواهد شد؛ زیرا این سر پنهانی و آشکار، خیلی جد تر از آنست که تصور می کنیم.

به همین دلیل به انسانها، اختیار کامل داده شده، تا هر فرد سرخوش همه خوش را انتخاب کند، نکته مهم اینست که انسانها اگر بخواهد وارد هر گروهی بشود، چه روشی و چه تاریخی؛ قطعاً بدستی بهایش را برداخت کند، و هر گروه بهما سرخوش را درآورد.

ولی پشت به اینها سر پنهانها، موضوع عظیمی نهفته است و منسپنک می دانم که هر چه باشد، در نهایت به خیر ختم خواهد شد؛ زیرا به همین دلیل در فرما آمده است؛

در آخر امر، امر اول اجرایی شود و قدرت مطلق به شما گفت؛ من همی دانم آنچه را که شما نمی دانید، و من هم رحمت و بخشندگی قدرت مطلق، تردید ندانم؛ زیرا وعده را دروغ نیست و او به مخلوقین سرخوش، عشق می ورزد و آنها را آموزش می دهد تا بداند آنچه نمی دانند.

ساکینسن

شما از سه نیرو سر القاء، اجیاء و متحرک نام بردید، مکنسر است توضیح بدهید؟

جاشینسن

القاء به معنی القاء اطلاعات و آگاهی است؛ چه مثبت و چه منفی، چه از طریق مستقیم و چه غیر مستقیم. از نظر القاء؛ حتی کاملاً فعال است هر خرنی از حسی، علامتند است هر چه را که می دانند. به هم نام سرخوش القاء نماید و نمونه آشکار آنست، آموزش جانوران، و انسانها به هم نوعا، خود است که البته میتواند هم مثبت و هم منفی باشد.

موضوع القاء حتی در جادوت هم نقش دارد. مثلاً اگر از سیمی؛ برق عبور کند و سیم دیگر سر در محاورت آنست، باشد و هیچگونه اتصال هم با هم نداشته باشند. در

سیم مجاور، برق، القاء می شود و این موضوع یکی از اصلها سر اساسی تولید برق و ماشینها و وسایل برقی می باشد و یا تلفظ همراه شامی تواند در بعضی از سیستمها سر الکترونیک؛ و تحلیل یا نوز، القاء را ایجاد کند و یا اینکه گفته می شود از انسانها، و توقف در کنار دکلها سر خطوط انتقال برق قرار قوس، خود را سر نمایند؛ زیرا در میدان القاء آنست، قرار می گیرید و بهینطور اگر در کنار گلی سرخوش بو کلی را قرار بدهید، پس از مدتی بو سر گل در گل، القاء خواهد شد و یا فرد منفی نگر می تواند افکار غلط و منفی خود را به دیگران القاء نماید؛

بنابراین هرگاه دو موضوع رفتار مثبت و یا منفی در کنار یکدیگر قرار بگیرند، هر کدام که قویتر باشد، روی دیگر اثر خود را القاء می‌کنند.

پس نیروی القاء شدیداً در حقیقت بر اساس تغییرات و تبدیلات در جریانه می‌باشد. ما از طریق همین خاصیت و القاء مطالب درست می‌توانیم بر اساس خروج انسانها از تاریکی استفاده کنیم. البته هرگاه فردی بر اساس خروج از تاریکی خودش اقدام کند، بلافاصله نیروهای القاء کننده از انسانها و زمینها بر او خواهند آمد و اینسرپک قانوم است حال در مورد اجزاء، یعنی زنده کردیم؛

بزرگترین اجزاء کننده، قدرت مطلق است که مردگان را زنده می‌کند.

اما در سطح ما، افراد را که در تاریکی فرو رفته‌اند و در نج و عذاب هستند و یا افراد را که در اثر مصرف مواد مخدر به نابود محض رسیده‌اند و در بی‌خاکه و مانی به سر می‌برند، در حقیقت با مردگان فرقی ندارند.

به انسانها و نیروهایی که بر اساس ارسال رساننده به این انسانها اقدام می‌نمایند و باعث تغییر و تبدیل آنها می‌شوند نیروهای اجزاء کننده می‌گوییم؛ چه در زمینها چه در آسمانها. البته نیروهای اجزاء کننده، در تمامی سطح حقیقی، بر اساس تغییرات و تبدیلات به صورت کاتالیزور وارد عمل می‌شوند و اینسرپکنامه عظیم را پیش می‌برند. و اکنون متحرک؛

اگر در حقیقت حرکت نباشد، تمامی ستارگان، در یک نقطه در هم فرو خواهند ریخت بر اساس همین گفته شده؛ رکود بر هیچ موجودی جایز نیست

انسانی که فاقد حرکت و پیشرفت باشد، مانند صخره گلی فرو خواهد ریخت

با حرکت، راه نمایان خواهد شد؛ بدون حرکت، هیچ تغییر و تبدیلی شکل نمی‌گیرد.

فردی که در اعاق تاریکی قرار دارد و صورتش به طرف تاریکی بالاست کافی است بازه‌های تفکر با یک حرکت، چرخش 180 درجه را به خود بدهد و صورتش را به طرف نور قرار بدهد.

در ابتدا شاید به اندازه جزئی نور را مشاهده کند، حال بایستی با حرکت به پایین حرکت؛ بلافاصله نیروهای مثبت و الهی از زمینها و آسمانها، بر اساس تغییر و تبدیل به یار او خواهند آمد و انسانها بایستی با حرکت، شروع به تغییر نماید و اینسرپکنامه؛ بایستی در اندیشه، گفتار و کردار او باشد.

هر چه تغییرات بیشتر باشد، نیروهای بیشتر به یار او خواهند آمد، تا در نهایت و به مرور زمانها، اینسرپکنامه به مرحله لازم برسند و تبدیل، انجام پذیرد و آنگاه انسانها،

خود تبدیل به نیروهای سیاسی یا مثبت خواهد شد و آماده خدمت به سایر انسانها می گردد.

لازم به ذکر است که در تمامی مراحل، نیروهای مختلف به مایارس خواهند رساند؛ ولی بار مسئولیت همیشه بر عهده خود شخص می باشد و دست انسانانی فقط القای افکار را انجام می دهند و انجام عمل، بر عهده خود انسان است.

ساکینسن

شاکر می کنید اگر ما هم به زمین برویم، انگاه ارتکاب خطای فساد هست؟

جائشین

انسان موجودی است که سرخوش هم کله می گذارد. بعضی از انسانها مرتکب بزرگترین فسادها و خلافها و خطاهای می شوند؛ ولی آنها انسانها در پیشگاه وجدان، خوش، کار خوش را منطقی جلوه می دهند؛ به عبارتی، هیچ عمل ضد ارزشی و یا فساد انجام نمی گیرد، مگر اینکه طمس به لباس زیبایی گردد. بنابراین تاریکی با بگونی لاسر عمل می کنند که در ابتدا ظاهر سرسب و فریبنده و منطقی دلانند؛ ولی در انتها به فساد و تباهی و نابود می فرود. منتی می گردند. بی، شاهم اگر به زمین کسل شوید و در لباس جهانی قرار بگیرید، قطعاً انگاه، اینکه مرتکب هرگونه فساد و خدانی شوید، وجود دلانند؛ چونکه دایم تاریکی با بسیار نیرومند و جذاب است اگر رفید، شاید یک روز مفهوم در آخر امر، امر اول اجرایی شود و راعله درک کنید.

ساکینسن

چگونه می توانیم به زمین برویم؟

جائشین

برلاس رفتن به زمین هم دو موضوع لازم است؛ یکی خواست دیگر فرما، یا اجازه پذیرش.

ساکنین

اگر به زمین برویم و مرکب نداشتیم، آیا مجازت می‌شویم؟

جائین

با نجات مسئله خیلی ساده است در زمین هستی یاد بگیرد از خطوط قمر عبور کنید؛ چون عبور از خطوط قمر زندگی، خود به خود چنانکه بلایی بر سر انسان نازل می‌کند که خدا

می‌داند.

برلاس مثال؛ اگر هنگام زندگی که شامی دانی چیست از چراغ قمر عبور کنید به هر حال یک روز سر و گمانه با چنانکه تصادف و شتابی مولود خواهد شد که جرمه پلیس

که لازم هم نمی‌دانید چیست در مقابل خسارت تصادف بسیار ناخیز خواهد بود.

ساکنین

اگر ما خواستیم به زمین برویم، توصیه برلاس ما نماند؟

جائین

در زمین زندگی کنید و بگذرید دیگر نه، هم زندگی کنند.

هر چه بر خود نمی‌سند، بر دیگران هم روا ندارند.

در زمین هم طبیعت گیاهان، جانوران، و به سایر انسانها خسارت وارد نکنند.

زمین را آلوده نکنند.

آب را در بخش اول و دوم نکنید.

دیگر که قبل از شام کاشند و شام خوردید، بلیستی شام بجارید تا دیگران بخورند.

توصیه آخر منسجم براسر آبادانی زمین و محیطی پاکیزه و سالم براسر خودما، اینست که؛ هر ساله یک درخت بجارید، از هر نوع که باشد و در هر کجا که بروید تا شاید دره را براسر از فرما، در آخر هر، اول اول اجرایی شود و با بزرگ شد، درختانی که خود کاشته اید، رؤیت کنید.

عزیزان، وقت منسجم مکر تمام شد.

بدرو.

در این شرط، ساکنین تمام ما با خوشحالی از جانشینان، شکر و خدا صافی کردند و این در حالی بود که در گوشه لاسر دیگر، زمزمه نایی آغاز شده بود.

لاجرل اول و اول دوم

شرایط لاجرل اول و اول دوم:

براسر لاجرل اول و اول دوم، بلیستی یک سال از شروع آموزش یا آغاز ترکیه و پالایش ماکدشته باشد.

در هفته درخت کار «اول تا دهم اسفند ماه» می توانیم به صورت انفرادی و یا گروهی با سایر دوستان و یا لائل خانولاه، اقدام به کاشت درخت نمایم.

محل کاشت درخت هر جامی تواند باشد.

کمیته هم لاسر است که درختی را که می کاریم، بلیستی نشان کنیم تا در صورت امکان، از لاسر مراقبت نمایم و یا اطلاع داشته باشیم، تا شاهد رشد درخت باشیم.

بنابراین لازم است آدرس کاشت درخت نوع لاسر، در هر نوع که باشد و تاریخ کاشت لاسر، در یادداشت نمایم و اکثر مشاهده کردیم درختی را که کاشته ایم خشک

شده و یا از بین رفته، سال بعد در فصل درخت کار بلیستی به جاسر لاسر، دو درخت بجاریم و این عمل درخت کار لاسر ساله تا روز سر که زنده هستیم اول و دوم می دهیم.

انشاء الله که شما بتوانید ۱۲۰ درخت بجارید.

پایان، اول و اول دوم

